

تحلیلی سازه‌انگارانه از نگرش‌های امنیت ملی آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران

مرتضی شیرودی *

طاهره کنعانی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

چکیده

مقاله حاضر تحلیلی از مواجهه آمریکا با جمهوری اسلامی ایران را براساس چارچوب نظری سازه‌انگارانه مطرح کرده، و به این پرسش پاسخ داده است که نگرش‌ها و تصورات امنیتی رهبران سیاسی آمریکا چه نقشی در روابط ایران و آمریکا به‌ویژه بعد از انقلاب داشته است؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که نوع نگرش و ادراک مقامات آمریکایی که حاکی از قدرت برتر و ایدئولوژیک آنان است، تأثیر بسیار زیادی بر روابط آمریکا و ایران گذاشته است. از دیدگاه نظریه سازه‌انگارانه، نظام فکری و تصویری افراد، نوع رفتار و اعمال آن‌ها را تعیین می‌کند، در واقع، تصور هژمونی که رهبران آمریکایی و جامعه آمریکا نسبت به سایر مردم جهان دارند و احساس رسالت و مسئولیت برای نجات سایر مردم جهان، باعث شده است تا با امنیتی‌کردن فضای بین‌الملل و ایجاد وحشت و ترس، و با دخالت در امور سایر کشورها و تلاش برای براندازی حکومت‌های مستقر در آن کشورها، به تصور هژمونیک و رسالت دموکراتیک‌کردن جهان و نجات سایر مردمان جهان تحقق بخشند. چارچوب نظری مقاله حاضر نظریه سازه‌انگاری است و نگرش‌های امنیتی سیاستمداران آمریکا در قبال ایران با تکیه بر نظریه سازه‌انگاری تجزیه و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌گان: امنیت، امنیت ملی، سازه‌انگاری، نگرش.

سپهر سیاست

سال پنجم

شماره پانزدهم

بهار ۱۳۹۷

* نویسنده مسئول: دانشیار، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران

رایانامه: dshirody@yahoo.com

** دانشجوی دکتری، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران

مقدمه

در طول تاریخ، ایران به دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی در قلب خاورمیانه و اتصال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا، عرصه تاخت و تاز اقوام و گروه‌ها و کشورهای مختلف بوده است. در زمانه حکومت قاجاریه حضور گسترده روس و انگلیس بویژه روس‌ها سعی در نفوذ در دربار و چپاول اموال و دارایی‌های ایران در قالب قراردادهای و امتیازاتی از جمله قرارداد گلستان و ترکمنچای و پیمان آخال و امتیاز تأسیس بانک استقراضی و امتیاز تأسیس راه شوسه تهران - اهواز امتیاز توتون تنباکو که به جنبش منجر شد.

انگلیسی‌ها که در رقابت با روسیه بودند، با هدف مقابله انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷ روسیه، سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش که در گوشه‌کنار ایران، با ماهیت ضداستعماری و ضداستبدادی در حال شکل‌گرفتن بود و تسلط بیشتر بر منابع نفتی جنوب و کم‌کردن هزینه‌های حضور پلیس جنوب و تحصیل سود اقتصادی ناشی از وجود حکومت مرکزی قدرتمند، زمینه کودتای ۱۲۲۹ رضاخانی را فراهم کرد و رضاخان با کمک انگلیسی‌ها پادشاه ایران شد و نفوذ روس‌ها کمتر و انگلیسی‌ها بیشتر شد. با شروع جنگ جهانی دوم و نافرمانی رضاشاه از دستورات انگلیسی‌ها، به استعفا و خروج از ایران مجبور شد و محمدرضا، جوان ۲۱ساله جایگزین شاه پدر شد. محمدرضا شاه تنها راه نجات از دست روس و انگلیس را در نزدیکی به آمریکا می‌دانست و سعی در جلب توجه مقامات آمریکایی داشت، به‌ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش حضور و نفوذ آمریکایی‌ها در ایران بسیار گسترده‌تر شد، به‌طوری که از دهه ۱۳۳۰ به بعد بیش از نیمی از صادرات تسلیحاتی آمریکا به ایران صورت پذیرفت و از این طریق سود سرشاری نصیب کمپانی‌های تسلیحاتی آمریکا شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مقامات آمریکایی در بهت و سردرگمی به سر می‌بردند، به‌ویژه که ایران خواهان تغییرات اساسی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در امور داخلی و خارجی نیز منتقد وضع موجود و خواهان تغییر در روابط و ساختار نظام بین‌الملل بود، قطعاً این رویکرد جدید ایران با مخالفت طرفداران حفظ وضع موجود در سطح منطقه و بین‌الملل مواجه می‌شد و عکس‌العمل‌های آنان را به دنبال داشت، به‌ویژه آمریکا که منافع ملی خود را در



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

منطقه خاورمیانه تعریف می‌کرد. اینکه نگرش‌های امنیت ملی آنان چگونه بود موضوع بحث این مقاله است. مقاله حاضر سعی می‌کند تا ادراک و تصورات مقامات آمریکا را با توجه به اقدامات آنان در بعد از پیروزی و جابه‌جایی قدرت حاکمه در ایران با تکیه بر نظریه سازه‌نگاری مورد توجه و تحلیل قرار دهد.

مفاهیم و چارچوب نظری

مفاهیم

تحلیل در لغت به معنای حل کردن چیزی است، ولی در اصطلاح، فرایندی ذهنی است که تحلیل‌گر می‌کوشد با ساده‌کردن مفاهیم پیچیده سیاسی به درک اجزای تشکیل‌دهنده پدیده‌ای سیاسی و ارتباط بین آن‌ها دست یابد. در این صورت، پیش‌بینی تحولات آتی با اتکا به استدلال‌های منطقی و عقلی نیز فراهم می‌شود و نگرش^۱ در لغت به معنای طرز فکر، تلقی و برداشت است. در فرهنگ علوم سیاسی دو تعریف برای نگرش بیان شده است:

۱. نظر و دیدگاه ثابت در برابر یک رویداد وضعیت یا مورد؛

۲. تمایل به عمل کردن در جهت موضوع‌ها و در وضعیت‌های وابسته به هم به‌طور ثابت و مشخص (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۳۸).

امنیت^۲ به معنای مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دورماندن از مخاطرات و تعدی‌ها به حقوق و آزادی‌های مشروع است (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۵۲۷). امنیت ملی^۳ به معنای مصونیت نسبی یا مطلق یک کشور یا خرابکاری سیاسی یا اقتصادی احتمالی همراه با واردکردن ضربه کاری و مرگبار در صورت مورد حمله قرارگرفتن است. از عوامل مؤثر بر امنیت ملی ویژگی‌های رهبران و شخصیت‌های سیاسی و نظامی، موقعیت ژئوپولیتیکی، قدرت اقتصادی، تعداد و هوشمندی دانشمندان تکنولوژی و... است (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۰).

در فرهنگ علوم سیاسی لغت دکترین^۴ اصول و قواعدی است که در هر یک از

1. Attitude
2. Security
3. National security
4. Doctrin

تحلیلی سازه‌نگارانه
از نگرش‌های
امنیت ملی آمریکا ...
(۳۳ تا ۵۰)

شاخه‌های علوم یا میان‌پروان یک آیین مورد تأیید و اعتقاد باشد؛ مجموعه‌ای از عقاید که دستگامی از آرای دینی فلسفی یا سیاسی را تشکیل می‌دهد (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۸۸) تعریف شده است. در سیاست دکترین اقدامات و مشی سیاسی یک سیاستمدار را می‌گویند که جنبه اقتراحی داشته باشد و آثار و نتایج آن ملموس باشد، و در دو سطح ملی و نظامی خود را نشان می‌دهد. در آمریکا هر چهار سال یک‌بار با به قدرت رسیدن هر رئیس‌جمهور برای پیشبرد اهداف کشور بیان می‌کند و مرکز ثقل قرار می‌گیرد

چارچوب نظری

سازه‌انگاری^۱ از ایده‌آلیسم در برابر ماتریالیسم دفاع می‌کند، زیرا به وجود مستقل جهان از ذهن انسانی باور دارد. همچنین، با ایده‌آلیسم مخالف است چون تلقی سازه‌انگاری را از واقعیت، به مثابه امری مستقل از انسان، رد می‌کند. از سوی دیگر، سازه‌انگاری با رئالیسم موافق است زیرا با نفی امری عینی از ذهنیت، امکان شناخت عام و رها از ارزش را نمی‌پذیرد، در نقطه مقابل، عقیده دارد جهان در انسان ساخته می‌شود و شناخت نیز، با مشارکت فعالانه در جهان به دست می‌آید، بنابراین، سازه‌انگاری، رئالیسم را به عنوان دیدگاهی ذات‌انگار به واقعیت نفی می‌کند.

سازه‌انگاری با ارتقای سطح بحث از معرفت‌شناسی معمول در مدرنیته به هستی‌شناسی، تلقی ذات‌گرایانه از موجودیت جهان، معرفت، انسان، اخلاق و حقیقت را به موضوعی برای شدن نه بودن تبدیل می‌کند. در مجموع، سازه‌انگاری بر این باور است که جهان در آگاهی انسان وجود دارد و انسان، موجودی در جهان است که برحسب زمان و مکان، شکل می‌گیرد. سازه‌انگاری با پوزیتیویسم هم مخالف است، زیرا پوزیتیویسم از هست عالم و آدم آغاز می‌شود، ولی سازه‌انگاری آن را تردیدپذیر می‌داند. در نتیجه، این مقاله سازه‌انگاری را از این رو برمی‌گزیند که یک سازه‌انگار در هر حوزه پژوهشی مبادی و بنیادهای مسلم انگاشته‌شده را به مسئله‌ای برای اندیشیدن تبدیل می‌کند و از نقد خود، عرصه‌ها و یافته‌های نویی را عرضه می‌کند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱).

1. Constructivism



به بیان مفصل‌تر، سازه‌انگاری به این معنا است که پژوهشگران معتقدند انسان‌ها پدیده‌های اجتماعی را می‌سازند و هیچ ساخته‌ای برتر از پدیده دیگر نیست، و هویت و منافع براساس باورهای مشترک شکل می‌گیرد نه طبیعت (ای مک ناب دیوید، ۱۳۹۴، ص ۸۶). در واقع، سازه‌انگاری به ابعاد غیرمادی زندگی اجتماعی اهمیت قائل است و نقش عواملی مانند فرهنگ، هنجار، عرف، قواعد، نوع رژیم و غیره را در تکوین و شکل‌گیری روابط بین‌الملل برجسته می‌کند. قواعد، عرف و فرهنگ جامعه نه تنها در سطح سیاست‌های داخل کشور، بلکه در سطح سیاست‌های بین‌الملل نیز تأثیرگذار است.

در تحلیل سازه‌انگاران از سیاست خارجی، الگوها و تصورات ذهنی به عنوان عامل تعیین‌کننده در سیاست خارجی مطرح می‌شود. براساس این نظریه، برای درک علت رفتارها و سیاست‌های دولت‌مردان در نظام‌های سیاسی باید به این موضوع توجه کرد که سیاستمداران و رهبران سیاسی کشورها چه تصویری از خود و منافع خود و محیط پیرامون دارند. از دید سازه‌انگاران، دنیای اجتماعی و سیاسی در واقع، واقعیت‌های سامان‌یافته‌ای هستند که براساس تصورات و ذهنیت‌ها شکل می‌گیرند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص ۵). سازه‌انگاری بر واقعیت به عنوان ساخت اجتماعی توجه می‌کند، یعنی واقعیت‌های اجتماعی جدا از کنشگران و فکر و اندیشه آن‌ها سامان نمی‌یابند و نگرش و طرز فکر کنشگران و معنایی که آن‌ها به رویدادها و وقایع می‌دهند، آن‌ها را شکل می‌دهند.

خلاصه و چکیده بنیان‌های نظریه سازه‌انگاری را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- تأکید بر برساختگی جهان اجتماعی (برساختگی جهان یعنی اینکه انسان‌ها هستند که به جهان به‌ویژه جهان اجتماعی معنا و مفهوم می‌دهند)؛
- توجه به ساختارهای ذهنی در کنار ساختارهای مادی؛
- اهمیت بین‌الذهانی و در نتیجه قواعد و هنجارها؛
- تأکید بر ارتباط متقابل ساختار و کارگزار؛
- توجه به اهمیت هویت.

از نظر سازه‌انگاران باورهای مشترک، منافع و هویت کنشگران را می‌سازند. انگاره‌های بین‌ذهنی که هویت دولت را تشکیل می‌دهد وجه تمایز ملی، یعنی تفاوت دولت خود با دیگران را شکل می‌دهد و در نتیجه، بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد (مشیرزاده، ۱۳۹۳، ص ۷). به‌طور کلی، می‌توان گفت از نظر سازه‌انگاران

ساختارهای فکری و هنجار اهمیت زیادی دارند و باید در کنار ساختارهای مادی به ساختارهای ذهنی هم توجه کرد و در واقع، بین ساختار و کارگزار تأثیر متقابل وجود دارد. از نظر سازه‌انگاران هویت به اعمال و منافع شکل و جهت می‌دهد و وقتی درک درستی از چگونگی شکل‌گیری منافع وجود داشته باشد، می‌توان خیلی از پدیده‌های نظام بین‌الملل را بررسی و تحلیل کرد.

ادراک و تصورات رهبران سیاسی آمریکا درباره انقلاب اسلامی ایران

برای سنجش هدف و بررسی شرایط متفاوت باید به ایستارها، ادراک و طرز تفکر توجه کرد که ممکن است دوستانه یا خصمانه باشد. ادراک و تصورات رهبران سیاسی کشورها در سیاستگذاری و تصمیم‌های روابط خارجی اهمیت زیادی دارد.

نظریه‌پردازانی از جمله هالستی^۱، در این زمینه معتقدند: «در هرگونه از روابط بین‌المللی، سیاستگذاران در چارچوبی از موضوعات برای سنجش دوستی، اعتماد، عدم اعتماد، ترس یا اطمینان نسبت به حکومت‌ها و مردمان دیگر عمل می‌کنند». (هالستی، ۱۳۷۳، ص ۵۶۱). سیاست‌ها و روابط ایران و آمریکا نیز براساس ادراک و تصورات سیاسی و ایدئولوژی سیاستمداران دو کشور شکل گرفته است. نگرش رهبران سیاسی آمریکا متأثر از مبانی لیبرالیسم، سکولاریسم، اومانیزم و نظام سرمایه‌داری است که کاملاً با مبانی اسلامی انقلاب ایران متفاوت است.

جامعه و رهبران سیاسی آمریکا تظاهر می‌کنند روح مسیحی را در رفتار سیاسی خودشان انعکاس دهند و ادعا می‌کنند همان‌طور که مسیحیت را عامل انسجام در جامعه خود می‌دانند، سعی می‌کنند بین هنجارهای داخلی و ضرورت‌های بین‌المللی پیوند برقرار کنند. از این رو، می‌توان بسیاری از جدال‌های سیاسی آمریکا را براساس قالب‌های ایدئولوژیک و سنت‌های جامعه آمریکا تفسیر کرد. در این زمینه، آنان به موازات بهره‌گیری از مذهب سعی دارند خود را مردمان برگزیده تلقی کنند. چنین تصویری در رفتار سیاسی آنان نسبت به کشورهای دیگر از جمله ایران وجود دارد (متقی، ۱۳۸۷، ص ۱۱).



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

1. Holsti

نگرش‌های منفی زیادی که آمریکایی‌ها نسبت به اسلام‌گرایان و ایران دارند، بیشتر ماهیت ایدئولوژیک دارد و این امر، از طریق دستگاه تبلیغات تقویت می‌شود. این نگرش و طرز تفکر نقشی مهم در سیاستگذاری‌ها و جهت‌گیری‌های رهبران آمریکا دارد. از نظر آنان اسلام‌گرایان رفتارهای غیردموکراتیک دارند و آن را در قالب ایدئولوژیک تفسیر می‌کنند، ایستارهای بدبینانه سیاستمداران آمریکا نسبت به ایران بعد انقلاب اسلامی به‌ویژه بعد از فروپاشی شوروی باعث شد تا جنگ سرد دیگری بر ضد اسلام‌گرایان و ایران به‌وجود آورند.

هانتینگتون معتقد است: «آمریکایی‌ها از قالب‌های ایدئولوژیک خود الهام می‌گیرند. آمریکایی‌ها معتقدند در هر شرایطی رهنمون‌های کلی و مطلق در امور خیر و شر وجود دارد و دائماً بر وجود شکاف بین استانداردهای مطلق که باید بر رفتار افراد دولت‌ها و ماهیت جامعه‌شان حاکم باشد، تأکید می‌کنند» (هانتینگتون، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵). از دید سیاستمداران آمریکا، ایران یک تهدیدکننده است و باید علاوه بر کاهش نفوذ، نقش ایران را در سطح منطقه و بین‌الملل در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کاهش داد و از طریق تهدیدات نظامی و دیپلماسی عمومی آن را کنترل و مجبور به تغییر رفتار کرد.

یکی از اقداماتی که مقامات آمریکا به دلیل نگرش وجود تهدید، از طرف ایران انجام دادند، در زمان ریاست جمهوری کلینتون، سیاست مهار دو جانبه بود که مبتنی بر سه محور سیاسی، اقتصادی و نظامی بود که این موجب اصطکاک عمیق سیاسی بین دو کشور شد، به‌ویژه لابی‌های صهیونیستی که در حزب جمهوری خواه آمریکا، ایران را تهدیدی علیه اسرائیل می‌دانند. بوش در سخنرانی سال ۲۰۰۱، ایران را با هدف سازماندهی مخالفان، کمک ملی و نظامی به صورت رسمی به مخالفان جمهوری اسلامی ایران و مشروعیت‌زدایی از نظام جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج، محور شرارت نامید. باراک اوباما از حزب دموکرات در سال ۲۰۰۹ با رویکرد مذاکره مستقیم با مقامات ایران رئیس‌جمهور آمریکا شد و بعد از ۸ سال، دوباره جمهوری خواهان با ترامپ به قدرت رسیدند و سیاست تهدید، ادامه یافت. به نظر می‌رسد ایستارها و ادراک رهبران سیاسی آمریکا و نگرش جامعه آمریکا

تحلیلی سازه‌نگارانه
از نگرش‌های
امنیت ملی آمریکا ...
(۳۳ تا ۵۰)

1. Huntington

نسبت به انقلاب ایران به قدری تاریک و جزمی است که با به قدرت رسیدن هر حزب چه جمهوری خواه و چه دموکرات راه به جایی نمی برد و این چالش بین ایران و آمریکا به راحتی حل نخواهد شد.

بر اساس نظریه سازه‌نگاری باید به عوامل مؤثر فکری و ذهنی کنشگران توجه کرد تا از علت رفتارها و عملکردهای آنان تحلیل درستی داشت؛ تصور عمومی جامعه و رهبران سیاسی آمریکایی‌ها این است که ایران کشوری بنیادگرا است. در حقیقت، این تر فکری که دشمن خارجی موجب اتحاد داخلی می شود را در آمریکا به خوبی می توان مشاهده کرد. اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی وجود تهدید خارجی در واقع، چالشی هست که سیاستمداران آمریکایی برای ایجاد وحدت داخلی در داخل آمریکا و کسب هژمونی در سطح بین‌الملل از آن به نفع خود بهره برداری می کنند.

سازه‌نگاران بر تأثیر ساختارهای ذهنی علاوه بر ساختارهای مادی، بر رفتار کنشگران تأکید می کنند و معتقدند در رفتار کنشگران هویت درونی، ساختارها و تصورات ذهنی آنان تأثیر دارند و شکل دهنده رفتار آنها هستند. روابط بین دولت‌ها از دید سازه‌نگاران بر اساس معنایی است که آنها برای هم قائل‌اند. درک و برداشتی که مقامات آمریکایی از انقلاب اسلامی داشتند، بعد از تسخیر سفارت آمریکا در ایران کاملاً متحول شد؛ ترس از گسترش انقلاب ایران به سایر کشورهای منطقه و به خطراتادن منافع آمریکا در منطقه، باعث شد دست به اقدامات و سیاست‌هایی بزنند که برگرفته از ادراک آنها از انقلاب ایران و حاکمان جدید بود.

دکترین‌های امنیتی آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

از جمله مهم‌ترین دکترین‌های مطرح در تاریخ کشور آمریکا دکترین مونروئه است که در سال ۱۷۵۸ میلادی به قدرت رسید و دکترین خود را انزوایطلبی در امور خارجی و منع هرگونه دخالت کشورهای دیگر در امور داخلی آمریکا اعلام کرد. ترومن در سال ۱۹۴۵ میلادی دکترین خود را کمک به کشورهای در معرض آسیب خطر نفوذ کمونیسم اعلام کرد و آیزنهاور در سال ۱۹۵۳ میلادی، تحت تأثیر جنگ سرد، بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس تأکید کرد. نیکسون در سال ۱۹۶۹ دکترین دوستونی خود را مبنی حفظ منافع اقتصادی و نظامی آمریکا در خاورمیانه توسط ایران و عربستان مطرح کرد و جیمی کارتر با طرح سیاست حقوق بشر خود در سال ۱۹۷۷ میلادی به قدرت رسید. بوش پدر در سال ۱۹۸۹ میلادی و بوش پسر در سال ۲۰۰۱ میلادی دکترین خود را بر



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

قدرت آمریکا در حل و فصل مسائل در سطح بین‌الملل و همچنین، به‌کارگیری روش‌های نظامی و جنگ پیش‌دستانه برای رسیدن به اهداف قرار دادند. همچنان که ترامپ از حزب جمهوری خواه بر آن تأکید دارد. او با ما در سال ۲۰۰۹ میلادی، دکترین خود را بر دیپلماسی عمومی و استفاده کمتر از نیروی نظامی مطرح کرد. از نظر بسیاری از استراتژیست‌ها و سیاستمداران آمریکا ساختارسیاسی ایران بسیار پیچیده و مبهم است و باید آمریکا نیز اهدافش در مقابل ایران چنین باشد و در این زمینه با اقداماتی مانند برخوردهای نظامی، تحریم‌های اقتصادی، تکنولوژیک، مالی، دیپلماسی عمومی و جنگ نرم به‌طور سازمان‌یافته تلاش می‌شود تا اقدامات و سیاست‌های ایران را تغییر یا تعدیل دهند.

الف) برخوردهای نظامی: استراتژی نظامی هر کشور در طول زمان و در شرایط مختلف ممکن است دچار تغییر و دگرگونی شود ولی نظامی‌گری و امنیتی‌کردن فضای کشور و نظام بین‌الملل در نگرش سیاستمداران آمریکا نهادینه شده است و از این طریق، به پیشبرد اهداف خود در کشور و در سطح بین‌الملل می‌پردازند. به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و برای مقابله با تهدیدات رژیم کمونیستی شوروی نظامی‌گری اساس و محور سیاست خارجی آمریکا را تشکیل می‌داد. استراتژی نظامی آمریکا با پایان جنگ سرد تغییرات اساسی پیدا کرد و به‌ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سعی کرد با امنیتی‌ترکردن فضای بین‌الملل به پیشبرد اهداف خود بپردازند.

در این زمینه، نظریه‌پردازانی مانند فرید زکریا، معتقدند دولت‌ها وقتی به‌طور فزاینده ثروتمند می‌شوند به تشکیل ارتش‌های مدرن و وسیع متمایل می‌شوند و به دنبال قدرت بیشتر و نفوذ در سطح بین‌الملل هستند. از دید فرید زکریا، دولت‌ها قدرت را در خارج از مرزهای خود جست‌وجو می‌کنند و در نتیجه، درگیری‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (مشیرزاده، ۱۳۸۳، صص ۱۳۲-۱۳۰). در طول تاریخ بشر به‌کارگیری ابزارهای نظامی یکی از مؤثرترین ابزارها برای تأثیرگذاری بر اعمال سایرین بوده است. اگر در سال‌های اخیر دیپلماسی عمومی و جنگ نرم به علت هزینه کمتر بیشتر مورد توجه بوده است، قدرت بازدارندگی نیروی نظامی، تهدید به‌کارگیری نیروی نظامی و... باعث شده است ابزارهای نظامی همچنان جایگاه خود را در روابط بین‌الملل حفظ کند.

هدف از نمایش قدرت و به‌کارگیری این شیوه، وادارکردن کشورهای ضعیف‌تر

تحلیلی سازه‌نگارانه
از نگرش‌های
امنیت ملی آمریکا ...
(۳۳ تا ۵۰)

به تغییر تصمیم‌ها و سیاست‌ها در جهت خواست قدرت برتر است، سیاستمداران آمریکا با ایجاد پایگاه‌ها و انجام‌دادن مانورهای نظامی در منطقه، اعزام ناو جنگی به منطقه و افزایش قدرت و حضور نظامی، تهدید ایران به‌کارگیری نیروهای نظامی همواره ایران را تحت فشار قرار داده تا به تغییر سیاست‌ها و تصمیم‌ها و اقدامات وادار کند. براساس دیدگاه سازه‌انگاران، تصورات و ساختارهای ذهنی و فکری هژمونیکی که سیاستمداران آمریکا به آن معتقدند، باعث شده است آن‌ها معتقد باشند به عنوان قدرت برتر دنیا حق دارند منافع خود را هر جا بخواهند، تعریف کنند و نظام سیاسی و حکومتی مورد تأیید خود را به حاکمان سایر کشورها تحمیل کنند و در صورت تخطی از ابزارهای نظامی حتی تا مرحله سرنگونی آن حکومت پیش بروند.

ب) تحریم‌های مالی، اقتصادی و تکنولوژیک: تحریم^۱ در علوم سیاسی قطع رابطه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی با یک فرد، سازمان یا دولت است. این واژه در سال ۱۸۸۰ متداول شد و از نام چارلز بایکوت نماینده یکی از ملاکین ایرلندی گرفته شد که در ارتباط با میزان اجاره‌ای که باید مستأجرین به او می‌پرداختند، مورد تحریم آن‌ها قرار گرفت (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۵۹). تحریم اقتصادی^۲ عمل دسته‌جمعی و کیفری که متضمن اقدامات لازم دیپلمات، اقتصادی یا نظامی علیه کشوری است که برخلاف مصوبات منشور ملل متحد عمل کرده است. این اقدامات ممکن است به صورت قطع روابط اقتصاد، ارتباطی، سیاسی، نظامی باشد (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۵۱۹).

تحریم‌ها علیه ایران از زمان اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ آغاز شد. از این زمان، آمریکایی‌ها همه توان و پتانسیل خود را برای محدودکردن و انزوای ایران به‌کار گرفتند. از مهم‌ترین آن‌ها حمایت از عراق در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران است. سیاستمداران آمریکا با تحریم نفت و ارسال قطعات یدکی و نظامی و بلوکه‌کردن دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکایی، و ایجاد محدودیت‌های پولی و بانکی ضربه بزرگی به اقتصاد ایران وارد کردند، به‌ویژه بعد از انفجار پادگان آمریکایی‌ها در لبنان، مقامات آمریکایی ایران را متهم کردند و نام



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

1. Boycott
2. Sanction

ایران را جزء کشورهای حامی تروریسم قرار دادند و تحریم‌ها شدیدتر شد. «اهداف آمریکا و غرب از تحریم‌ها تأثیر بر سیاستگذاری‌های کشور مورد تحریم و یا تغییر در نوع حکومت آن، تنبیه کشور مورد نظر به علت پیگیری سیاستی خاص، ابزار مخالفت نمادین می‌باشد» (خوشرو، ۱۳۸۰، ص ۶).

تحریم‌های اقتصادی در کنار تحریم‌های مالی و فناورانه، باعث فشارهای زیادی بر ملت و دولت ایران بوده است. با توجه به نیاز کشورهای در حال توسعه به سرمایه‌گذاری خارجی، مخالفت آمریکا با سرمایه خارجی در ایران با تصویب قانون داماتو افزایش یافت، براساس آن، علاوه بر شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران آمریکایی، شرکت‌های نفتی طرف معامله با ایران تحریم و مجازات اقتصادی می‌شدند (رنجبر، ۱۳۷۸، ص ۱۵۰).

هدف از ایجاد تحریم‌ها در دیدگاه سازه‌انگاران، تحمیل مشکلات و تحت فشار قراردادن ایران به لحاظ اقتصادی و انزوای سیاسی، ایجاد مانع از نوسازی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در داخل ایران و وادارکردن ایران به تغییر رفتارهای خود ناشی از این تحریم‌ها بوده است و این همه در راستای همان ذهنیت ایران‌هراسی و کنترل مقامات سرکش و افراطی ایران و تسلط هژمونیک ایدئولوژی خود بر همه نقاط دنیا، به‌ویژه قلب خاورمیانه است.

ج) جنگ نرم و دیپلماسی عمومی: پس از فروپاشی شوروی و شروع جنگ سرد، نظام بین‌الملل تغییرات اساسی یافت و از نظام دوقطبی مبتنی بر قدرت آمریکا و شوروی تبدیل به نظام تک‌قطبی مبتنی بر قدرت آمریکا شکل گرفت. در دوران جنگ سرد سیاستمداران آمریکا رویکرد پروپاگاندا‌ی فعالی را ضدشوروی در منطقه خاورمیانه شروع کردند. در این زمینه، ایران به دلیل همسایگی با شوروی همواره مورد توجه آمریکا بود و یکی از عملیات پروپاگاندا‌ی که آمریکا در ایران انجام داد، در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جو عمومی ایران را علیه مصدق به راه انداختند.

پروپاگاندا^۱ توضیح و تبیین افکار سیاسی، فلسفی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و... بین عده‌ای با هر وسیله ارتباطی مثل رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سینما، ویدئو، ماهواره برای تحت تأثیر قراردادن افکار و عقاید آن عده، در واقع، تسخیر افکار

1. Propaganda

تحلیلی سازه‌انگاران
از نگرش‌های
امنیت ملی آمریکا ...
(۳۳ تا ۵۰)

عمومی به طرق غیرمستقیم، یا وسایلی مثل زبان خط، تصویر، نمایش (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۴۷۳). اقدامات پروپاگاندامحور که دولت آمریکا آن را دیپلماسی عمومی می‌نامد، در چارچوب اقدامات تبلیغی آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر با هدف تسخیر افکار عمومی، در جهان اسلام انجام می‌گیرد (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۲).

از اهداف دیپلماسی عمومی، بی‌ثبات کردن به معنای تضعیف ساختار نظام سیاسی کشور و کاهش مشروعیت سیاسی کشور است. در واقع، سیاستمداران و مقامات آمریکا با به‌کارگیری ابزارها و روش‌های متنوع پروپاگاندايي براساس همان ذهنیت و ادراک عمومی خود، با کمترین هزینه و بیشترین سرعت می‌توانند به اهداف خود در کوتاه‌مدت و بلندمدت در ایران برسند. اهداف بلندمدت همراه کردن مردم جهان و ایران برای تحت فشار قراردادن، بی‌ثبات کردن و مشروعیت‌زدایی از ساختار سیاسی ایران است، که با تلاش‌های سازمان‌یافته انجام می‌گیرد و اهداف کوتاه‌مدت برای کنترل رفتار سیاسی مقامات و سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد. به‌طور مسلم، دیپلماسی عمومی و جنگ نرم مقرون به صرفه‌تر از جنگ سخت و به‌کارگیری ابزارهای نظامی است.

مؤیدات رویارویی آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

مردم و سیاستمداران آمریکایی نسبت به مسائل جهان و مردم سایر کشورها احساس مسئولیت و رسالت دارند و وظیفه خود می‌دانند که به مردم سایر کشورها کمک کنند و این دخالت را به نفع کشورهای دیگر می‌دانند؛ در واقع، لطف را از جانب خود می‌دانند. از دید مردم و رهبران سیاسی آمریکا، جمهوری اسلامی ایران نظامی استبدادی است که علاوه بر اینکه حقوق بشر را داخل کشورش رعایت نمی‌کند، به دنبال سلاح هسته‌ای و برهم‌زدن نظم و امنیت بین‌الملل است و با حمایت از گروه‌های تروریستی و تحریک آنان در کشورهای منطقه باعث ناامنی در منطقه نیز می‌شود؛ پس باید به مردم ایران که چشم امید به آنان دوخته‌اند، کمک کرد و جلوی قدرت‌گرفتن بیشتر ایران را به روش‌های مختلف گرفت؛ از جمله اقدامات انجام‌گرفته، دخالت در امور داخل ایران و سعی در ایجاد تفرقه بین نیروهای انقلابی و تلاش برای کاهش انسجام اجتماعی به‌ویژه در اوایل انقلاب است و مهم‌ترین این اقدامات به شرح زیر است:

الف) حمایت از عراق در جنگ تحمیلی: درباره جنگ ایران و عراق دیدگاه‌ها



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

و نظرهای زیادی وجود دارد. عده‌ای معتقدند جهان غرب و آمریکا با حمایت از صدام قصد محدود کردن قدرت و توانمندی و تضعیف ایران را داشتند. چه عراق و رژیم بعث در این جنگ پیروز می‌شد و چه شکست می‌خورد، برد با آنان بود، چون اگر ایران شکست می‌خورد، بسیار مطلوب آنان بود و اگر شکست نمی‌خورد، حداقل ضعیف می‌شد؛ چون منابع انسانی، مالی و ساختاری زیادی از دست می‌داد. بر همین اساس کمک‌های همه‌جانبه غرب از جمله آمریکا را به رژیم بعث عراق در طول جنگ شاهد هستیم. در واقع، آمریکا علاوه بر کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم نقش هماهنگ‌کننده را نیروها در سطوح منطقه و بین‌الملل علیه ایران ایفا می‌کرد.

ب) مقابله با نقش منطقه‌ای ایران: یکی از هدف‌های جهان غرب از جمله آمریکا از حمایت وسیع و همه‌جانبه رژیم بعث عراق در جنگ، تضعیف و محدود کردن نقش ایران در منطقه بود و در این زمینه، با نیروهای اپوزیسیون ایران نهایت همکاری انجام گرفت. بعد از جنگ با ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و سیاست سازندگی در داخل و تنش‌زدایی در خارج، تلاش‌های زیادی انجام گرفت و شروع دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی بحث تنش‌زدایی به‌طور جدی پیگیری شد. «ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها در نقطه مقابل نظریه برخورد تمدن‌ها قرار داشت. آمریکا پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی این نظریه را در سیاست خارجی خود دنبال کرد. هدف سیاستمداران آمریکا ایجاد یک دشمن فرضی برای حفظ وحدت داخلی در کشور خود و بین متحدانش بود» (نوازنی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۱). در واقع، اقدامات نخبگان سیاسی آمریکا در راستای خاورمیانه بزرگ با هدف محدود کردن قدرت مانور ایران در منطقه انجام می‌گیرد و سعی دارند محدودیت‌های بیشتری برای اعمال نفوذ در ایران در منطقه فراهم کنند.

ج) اتهام‌زنی به ایران: سیاستمداران آمریکا در راستای تلاش برای ایجاد محدودیت و انزوای ایران در منطقه، ایران را همواره با اتهامات گوناگون تحت فشار قرار می‌دهند. اینکه ایران علاوه بر حمایت از تروریسم، به تولید سلاح‌های کشتار جمعی اقدام می‌کند، و این باعث بی‌ثباتی در منطقه می‌شود و مهم‌تر از همه، حقوق بشر را در کشورش رعایت نمی‌کند و باید به کمک مردم مظلوم ایران شتافت.

تحلیلی سازه‌انگارانه
از نگرش‌های
امنیت ملی آمریکا ...
(۳۳ تا ۵۰)

خاص از خود و انتظارت از دیگران تعریف می‌شود و این هویت‌ها کنش‌ها و منافع فرد و جامعه، و به تبع، منافع دولت‌ها را شکل و جهت می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۰). فهمی که سیاستمداران آمریکا از خود دارند، مبتنی بر برتری‌طلبی بوده، و تصورشان بر درست‌بودن راه و روش و سیاست‌هایشان است و اینکه همه کشورها و مردمانی که در چارچوب و شیوه آن‌ها عمل نمی‌کنند، به‌طور قطعی، مسیر اشتباهی را طی می‌کنند و باید به هر وسیله ممکن، اعم از گزینه‌های نظامی، دیپلماسی عمومی، اتهام‌زنی و غیره مشروعیت سیاسی و ثبات ساختاری، آن کشور را خدشه‌دار کرد تا به عقب‌نشینی و حرکت در مسیر مورد تأیید آنان مجبور شود. اولین اتهام امریکایی‌ها تروریسم خواندن ایران است. تروریسم نظام حکومت ترور و اعتقاد به لزوم آدمکشی و ایجاد وحشت در میان مردم؛ یا نظام فکری که هر نوع عملی را برای رسیدن به هدف سیاسی مجاز می‌شمارد (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۳). سیاستمداران امریکایی به‌ویژه گروه‌های تندروی امریکایی، هرگونه عمل تروستی که در دنیا رخ دهد، ابتدا با به‌کارگیری ماشین تبلیغات و رسانه با هیاهوی زیاد متوجه ایران می‌کنند و بعد از آشکارشدن واقعیت خاموش می‌شوند و با سکوت خبری دنبال هیاهوی دیگر برای تخریب و تضعیف ایران می‌شوند. از سوی دیگر، با هر گونه فعالیت هسته‌ای ایران مخالف‌اند و سعی در قانع‌کردن جامعه بین‌الملل برای محدودکردن و عدم کمک و حمایت از ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای دارند، به‌ویژه ایران را به دلیل حمایت از فلسطینی‌های مبارز، به برهم‌زدن صلح و ثبات در خاورمیانه متهم می‌کنند. حمایت آمریکا از اسرائیل به‌خوبی نشان می‌دهد هدف و نیت سیاستمداران آمریکا از این اتهام‌زنی چیست؛ از طرفی، بهترین حربه‌ای که می‌توانند به‌کار گیرند اتهام نقض حقوق بشر است. از این اتهام می‌توانند برای مشروعیت‌زدایی نظام سیاسی ایران و تشدید اختلافات و همراه‌کردن افکار عمومی نظام بین‌الملل برای تضعیف و انزوای ایران استفاده کنند. «استراتژی آمریکا در برخورد با کشورهای آسیایی شامل موضوعاتی از جمله حقوق بشر و آزادی مذهبی و... می‌باشد ما انتظار همکاری با رهبران کشورها، جهت مقابله با چالش‌های پیش روی مصالحه ملی و همچنین انجام اصلاحات دموکراتیک را داریم» (ایزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹).

براساس نظریه سازه‌نگاری، ایستارها و نظام فکری سیاستگذاران و کارگزاران آمریکا باعث اقدامات عملی یادشده در ارتباط با ایران بوده است. احساس خطر و



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

تهدید از سوی ایران با اقدامات انقلابی که در اوایل انقلاب در ایران رخ داد، اعم از تسخیر سفارت آمریکایی‌ها و برخورد انقلابی با کمونیستی‌ها و سازمان‌های کمونیستی ضدانقلاب و محاکمه انقلابی مقامات دستگیرشده از رژیم سابق، باعث شد تصور عمومی آنان از انقلاب ایران بینادگرایانه و خارج از چارچوب مورد قبول آنان تعریف شود و علاوه بر آن، با به خطر افتادن منافع آنان در ایران و منطقه، و شور و هیجانی که در ایران و کشورهای مسلمان همسایه ایجاد شده بود، باعث ترس حاکمان کشورهای همسایه از صدور انقلاب شد و به تبع، جامعه آمریکا و رهبران سیاسی آنان، جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی علیه خود تلقی کردند و با شیوه‌های مختلف سعی در براندازی یا کنترل رفتار سیاستمداران و مقامات ایران داشته باشند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر درصدد بررسی نگرش‌های امنیت ملی آمریکا نسبت به ایران با تکیه بر نظریه سازه‌انگاری بود. در نظریه سازه‌انگاری بر عوامل فکری، فرهنگی و ذهنی تأکید می‌کند و معتقد است، نباید تنها به عوامل مادی توجه کرد. برای فهم کنش‌ها و واکنش‌های مقامات آمریکا، باید به نگرش‌ها، ادراک و تصورات عمومی مقامات و سیاستمداران آمریکا توجه کرد. فرهنگ سیاسی و فضای سیاسی آمریکا تحت تأثیر نگرش و رسالتی است که برای خود قائل‌اند، برای نجات و کمک به مردمان سایر کشورها در زمینه‌های مختلف حقوق بشر، دموکراسی، آزادی و غیره و تصور برتری‌طلبی و هژمونیک که برای خود می‌پندارند، می‌توان تفسیر کرد. بنابراین، مداخله کردن در امور کشورهای دیگر، یک وظیفه و لطف تصور می‌شود و این شاخصه‌ای مهم برای فهم اقدامات سیاستمداران محسوب می‌شود.

تحلیلی سازه‌انگارانه
از نگرش‌های
امنیت ملی آمریکا ...
(۳۳ تا ۵۰)

رهبران سیاسی آمریکا بعد از اشغال سفارت آمریکا در ایران رویکرد و اقدامات آنان کاملاً ستیزه‌جویانه شد مقامات و سیاستمداران آمریکایی با اتهام‌زنی و حمایت از رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی و با مقابله با نقش منطقه‌ای ایران در منطقه سعی در مشروعیت‌زدایی ایران و بی‌ثبات کردن موقعیت ایران در منطقه را داشتند. برای فهم علت این رفتارهای سیاستمداران و مقامات آمریکا، نظریه سازه‌انگاری به کار گرفته شد.

نگرش‌های سیاسی آمریکایی‌ها باعث می‌شود که آن‌ها در زمینه درک شهودی اسلوب‌های عملکرد اغلب کشورها دچار ضعف شدیدی باشند. به خصوص کشورهایی که در قید میراث‌های تاریخی کهن‌تر، خاطرات تاریخی گذشته و آسیب‌پذیری بلندمدت در مقابل تاخت و تازهای دولت‌های بیگانه قرار داشته‌اند» (فولر^۱، ۱۳۷۳، ص ۵). بسیاری از سیاستمداران آمریکا از خط‌مشی انقلاب نگران بودند و برای مقابله با انقلاب ایران سعی بسیار کردند، احساس مسئولیت، حس رسالت و ذهنیت برتری‌طلبی آمریکایی‌ها باعث می‌شود با امنیتی‌کردن فضای بین‌الملل، رفتار رهبران و سیاستمداران سایر کشورها را تحت تأثیر خود قرار دهند و تصمیم‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های آن‌ها را مطابق با منافع خود شکل و جهت دهند، تا جلوی قدرت گرفتن جمهوری اسلامی ایران گرفته شود و اگر موفق به سرنگونی نشوند، دست‌کم اقدامات نظام ایران را تضعیف و تعدیل کنند که با به‌کارگیری دیپلماسی نرم از مردم برای فشارآوردن به نظام کمک بگیرند و مشاهده می‌شود که در حرکت‌های اجتماعی چه در امر انتخابات یا نارضایتی اقتصادی، بی‌درنگ ورود کرده، و خود را حامی و پشتیبان مردم ایران برای مقابله با نظام حاکم معرفی می‌کنند.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

منابع

- آقابخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر چاپار.
- ایزدی، پیروز (۱۳۹۰). استراتژی آمریکا برای قرن جدید. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران.
- ای مک ناب، دیوید (۱۳۹۴). روش تحقیق در علوم سیاسی (رویکرد کیفی و کمی). ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: انتشارات دانشکده اطلاعات.
- ایزدی، فؤاد (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- خوش رو، سعید (۱۳۸۰). چند و چون تحریم‌های اقتصادی در آمریکا علیه ایران. مجله اقتصاد انرژی، شماره ۲۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، شهبازی، نسیم، و فریدونی، احمد (۱۳۹۱). سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال فلسطین از منظر سازه‌انگاری. رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۸.
- رنجبر، مقصود (۱۳۷۸). ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گراهام، فولر (۱۳۷۳). ژئوپلتیک ایران. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). بررسی الگو و فرایند تقابل‌گرایی آمریکا علیه ایران در سال ۱۹۷۹-۲۰۰۸ تهران. مجله راهبرد، شماره ۴۷.
- متقی، ابراهیم، و کاظمی، حجت (۱۳۸۶). سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی. فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳). مطالعه سازه‌انگاران سازه‌انگاری بین‌المللی و امکانات پژوهشی. فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۵.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). سازه‌انگاری به عنوان فرایندهای روابط بین‌الملل، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵.

تحلیلی سازه‌انگاران
از نگرش‌های
امنیت ملی آمریکا ...
(۳۳ تا ۵۰)

- نوازنی، بهرام (۱۳۸۳). الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- هالستی، کی جی (۱۳۷۳). مبانی تحلیل سیاست بینالملل. ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارمی سری، تهران: ناشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴). چالش‌های هویت در آمریکا. ترجمه محمود رضا گلشن پژوه، تهران: نشر ابرار معاصر.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷